

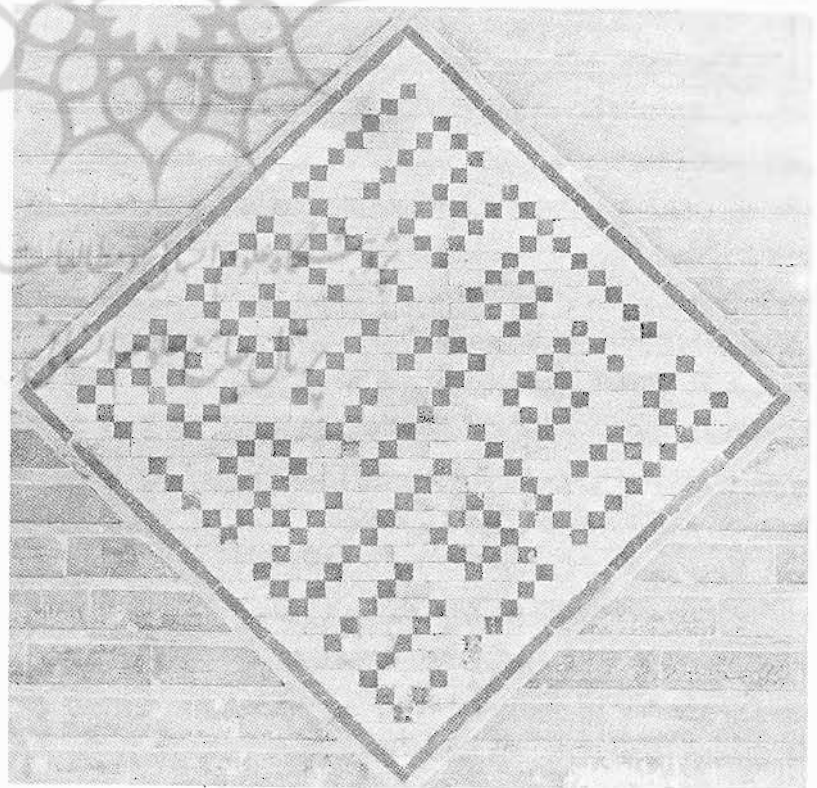
خط‌بانی

محمود ماهرالنقیس

مطالعه تاریخ تمدن گذشته مبتنی بر تاریخ دورانهای بسیار دور - پیش از اسلام و بعد از اسلام - ایران است که همواره پیشتاز مدنیت و عامل مهمی در پیشبرد بشر بوده است. ایرانیان در ارتباط با کشورهای دیگر، آداب و فرهنگ آنها را محترم

می‌شمردند و در برخورد عقاید، به کمک استعداد و لیاقت خود، از آثار فرهنگی و هنری کشورهای همسایه بهره می‌گرفتند. آنچه در تاریخ مستر است نشان می‌دهد که با وجود برخوردهای سیاسی بین کشورهای اسلامی، روابط فرهنگی و هنری هیچ‌گاه قطع نشده و تبادل نظر بین

۱ - خط بنایی، معقلی یک رنگی، مدرسه نیم‌آورد، اصفهان (عجلوا بالتوبه قبل الفوت)



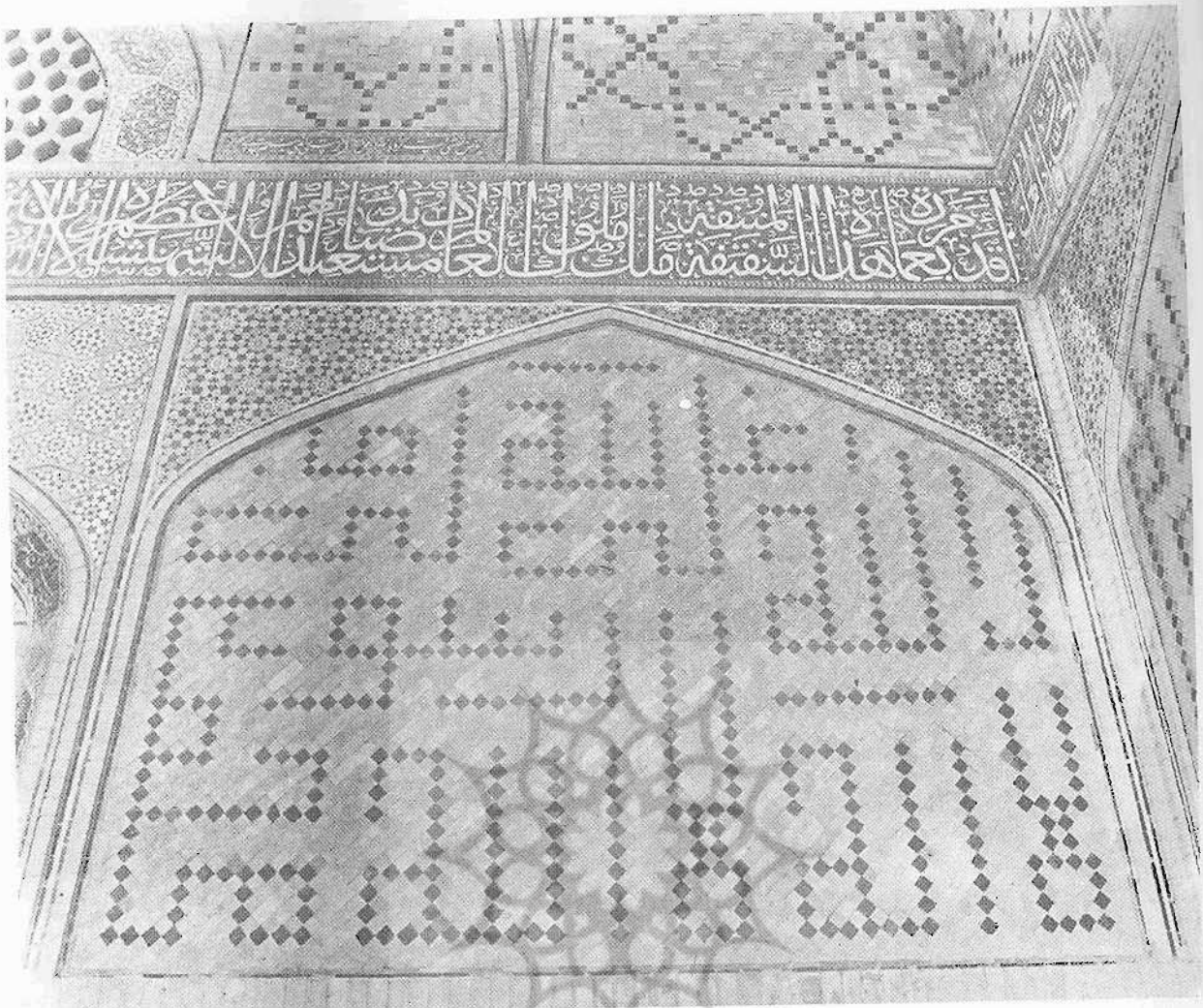
هنرمندان همواره برقرار بوده است. شاهد این مدعا، تمدنهایی مانند سومر، اکد، بابل و نظایر آنهاست، که حتی آداب و رسوم خود را بر دیگر کشورها تحمیل نکردند.

پادشاهان هخامنشی از معماران کشورهای فتح شده برای ساختن کاخهای خود استفاده می‌کردند و نشانه‌هایی در کاخهای مختلف از این معماران به یادگار مانده است.

در واقع هنر کلمه‌ای اوستایی است و در زبان فارسی از دو جزء «هو» به معنی خوب و «نر» به معنی توانایی تشکیل شده و به معنای «خوب» یا «توانایی» به کار رفته است. گاهی نیز نام «صنایع مستظرفه» بر آن نهاده‌اند.

هنر رشته‌های مختلفی دارد و گراف نیست اگر بگوییم هنر خوشنویسی یکی از بارزترین این رشته‌هاست. این رشته هنری که تا پیش از اسلام پیشرفت چشمگیری نداشت، در دورانهای اسلامی مراحل رشد را طی کرد و به مقامی ارجمند رسید. اعتقاد بر این است که اولین شیء آفریده شده قلم بوده که خداوند کارپرداز آن را به آدمیان آموخته است. چنان که در قرآن آمده است خدای تعالی تعلیم خط و نویسندگی را به خود نسبت داده و بر بندگان خود منت نهاده، و نیز اشاره به مرتبه خط و نویسندگی داشته است: «اقرأ وربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم» (بخوان پروردگار خود را که بزرگ است. آنکه آموخت انسان را قلم یعنی خط و آموخت انسان را آنچه نمی‌دانست).^۱

خداوند به قلم سوگند یاد می‌کند: «ان والقلم وما يسطرون» (قسم به قلم و آنچه می‌نویسند).^۲ و باز در قرآن کریم می‌فرماید: «خلق الانسان علمه البيان» (آفرید آدمی را



۲ - خط بنایی، معقلی یک رگی، ایوان غربی مسجد جامع اصفهان (لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله)

و آموخت بیان را) ۳

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که نوشتن نامه بر خرد صاحب آن دلالت دارد و خرد و دانش انسانها پیرامون نیش قلمشان دور می‌زند. حضرت علی علیه السلام خود آموزشگر خطاطی بود و پس از آفرینش قلم و فن نگارش، نخستین اشاعه دهنده به کار گرفتن آن شد.

قاضی احمد، نویسنده سده یازدهم هجری، قلم را سرباغ دانش توصیف می‌کند و مسعود سعد سلمان در باره قلم سخن رانده و می‌گوید:

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فرخی سیستانی نیز آن را چنین وصف می‌کند:

«قلم به ساعتی آن کارها تواند کرد»

۱. آیه‌های ۳، ۴ و ۵ از سوره العلق
۲. آیه ۱ از سوره القلم
۳. سوره الرحمن

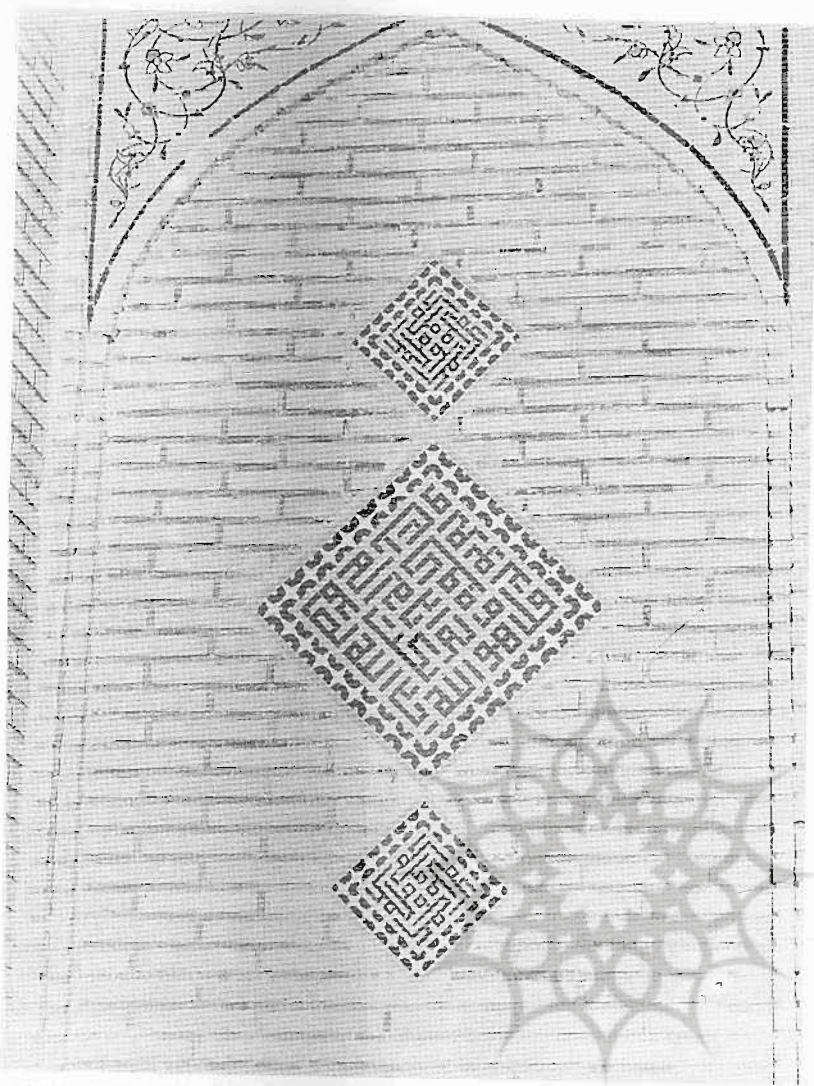
«داستان در جهان فراوان است
نیست یک داستان چو آن قلم»
«سرمه دیدگان عقل شناس
آن چو سرمه سیه بیان قلم»
«قهرمان هنر قلم باشد
تا کف تمت قهرمان قلم»

که عاجز آید از آن کارها قضا و قدر»
و این گونه اوصاف تحسین آمیز، به
روایات گوناگون، بسیار است.
تذهیب و خوشنویسی، که هنرمندان
عرب را، به سبب ممنوعیت ترسیم تصاویر
حیوانات، به خود جلب کرده بود در تحریر
قرآن به کار رفت و از سوی کاتبان دوران،
چنان تکامل یافت که بعدها در تزئین بناها
نیز مورد استفاده قرار گرفت.

در هنر کاشیکاری ایران نیز
شاهدیم که استادان این فن، بدون دانستن
خواندن و نوشتن، چنان آثار زیبایی به
وجود آورده اند که هر یک زینت بخش
بنایی است و نشان دهنده قدرت و مهارتی
که بی گمان در زمانهای بسیار دور ریشه
دارد.

خط عربی از الفبای نبطی شکل
گرفته است. نبطی ها، طایفه ای بودند، که در
شمال و شرق صحرای سینا سکنه داشتند.
بیشتر اعراب پیش از اسلام بی سواد بودند
و سنن خود را سینه به سینه منتقل
می کردند. پس از ظهور اسلام دگرگونی
عمده ای در زندگی اعراب پدید آمد و از آن
جمله این که برای ثبت و انتشار دقیق
آیات قرآن مجید، نیاز به خطی موزون و
زیبا احساس شد. به این ترتیب دو نوع
خط به سرعت شکل گرفت: اول خط
زاویه دار کوفی که به کتابت قرآن
اختصاص یافت و دوم خط نسخ که روان تر
نوشته می شد و در نگارش آثار مذهبی و
اسناد موجود، مورد استفاده قرار می گرفت.
خط زاویه دار (کوفی) که برای نوشتن
قرآن به کار می رفت، ضمن پذیرفتن
دگرگونیهای، سرچشمه خطوط دیگر قرار
گرفت و به سرعت گسترش یافت.

تزئین کتب در دنیای اسلام بسا
استفاده از خط کوفی زاویه دار شروع شد.



۳- خط بنایی متن، مسجد سید اصفهان، تریج وسط: (قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له
کفوا احد، سر تریجها: طرح گردان (محمد)

نوشته های غیر مذهبی به کار رفت.
آغاز پیدایش خط و خوشنویسی
فارسی به زمان تسلط اعراب بر ایران، در
طی سده دوم و سوم هجری، بازمی گردد که
بر مبنای الفبای عربی استوار است.
در حقیقت مشتاقان خوشنویسی و
خط فارسی با تجمع در مکتب خانه ها به
اشاعه این هنر پرداختند و خط تا آنجا
گسترش یافت که در سده ششم هجری
تقریباً هفتاد نوع خط نوشته می شد.
در خط ایرانی فضاهای بسیاری

بدین طریق که اول نقوش تزئینی،
جداکننده سوره ها و بعداً آیه ها بودند و پس
از آن این تزئینات به حاشیه قرآن و تأکید بر
سوره های پنجم و دهم و تسعالم شرعی
اختصاص داده شد. در همین دوران بود که
خط کوفی در تزئین ساختمانها به کار
گرفته شد و با گذشت زمان ظرافت لازم را
کسب کرد.

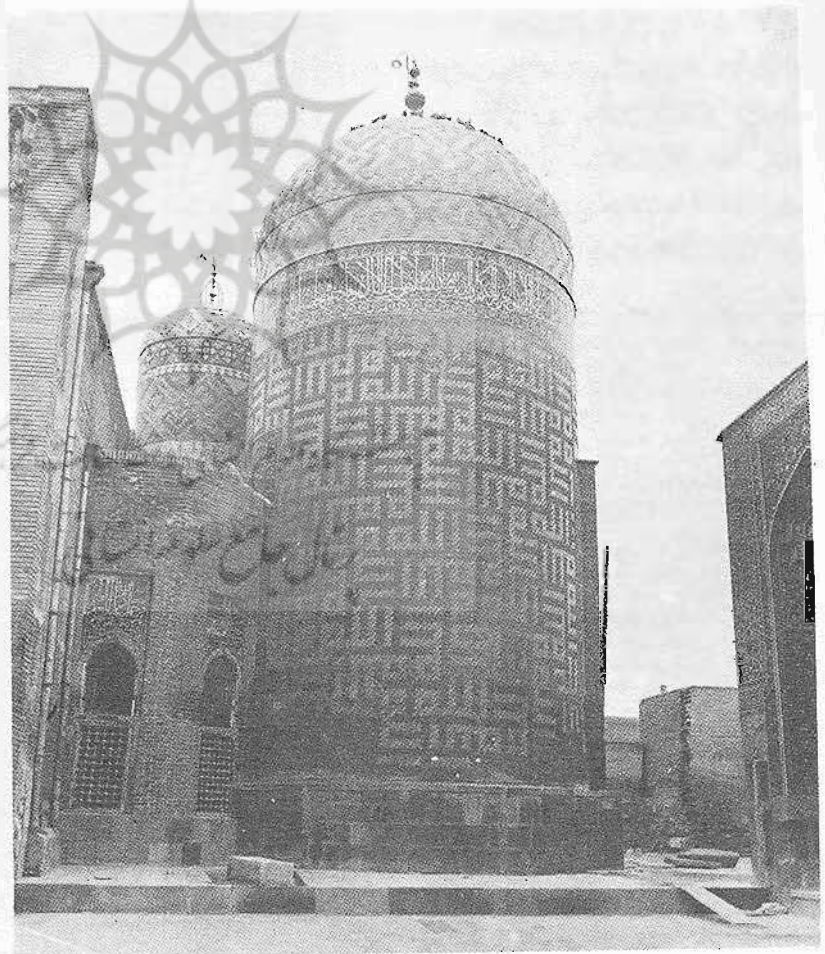
خط تعلیق که از دگرگونیهای نسخ
به وجود آمده بود، در قرن ششم هجری
قمری پدیدار شد و در نگارش آثار شعرا و

وجود دارد که می‌تواند به تصویر آید؛ همچنان که در گذشته، نقاشان نیز این کار را کرده‌اند و در کنار معماران، این خطوط را در محل مناسبی بر بیکر بناها با مصالح مختلف ساخته‌اند. به‌طور کلی خطوط دارای قواعد و نکاتی فنی است که روی هر یک از آنها نامگذاری شده و این نامگذاری به وسیله استادان فن انجام گرفته و این اطلاعات و دانستیها مانند هنرهای دیگر، سینه به سینه یا از استاد به شاگرد، انتقال یافته است.

در زمان سلجوقیان، برج و مناره‌هایی در گوشه و کنار ایران ساخته بودند که تا سرزمینهای تحت نفوذ اسلام

توسعه می‌یافت. این مناره‌ها، بر بسالای مساجد یا به شکل میل راهنما در کنار جاده‌ها و یا به صورت چراغ راهیابی ساخته می‌شدند که نمونه‌هایی از آنها در سبزوار - به نام میل یا مناره خسروگرد یا مناره مسجد ساوه و نمونه‌هایی دیگر که احتمالاً به سده‌های پنجم و ششم هجری قمری تعلق دارد - ساخته شده است. این مناره‌ها به خط نوشته‌هایی از آجر مزین است و گرچه گاهی خطوط روی مناره‌ها که با آجر ساخته شده ناخواناست اما خط‌شناسان و آشنایان خط، از روی سبک آن، موفق می‌شوند زمان آن را معین کنند. نوشتن خط بر بدنه مناره‌ها تنها به استفاده

۴ - خط بنایی، معقلی کنیده ساقه گنبدی، گنبد الله‌الله، مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل.



از آجر محدود نماند و از مصالح دیگری مانند گچ و کاشی نیز برای تزئین قسمتهای داخلی و خارجی مناره استفاده شد که می‌توان نمونه‌هایی از آن را در مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع اردستان، و گنبد علویان در همدان مشاهده کرد.

هنر خطاطی نیز، مانند دیگر رشته‌های هنری، شعب مختلف دارد که علاقه‌مندان، هریک، به انجام رساننده راهی و کامل کننده شعبه‌ای از آن بوده‌اند. اما از میان همه این آثار، تنها معدودی از آنها نام هنرمندانشان را در کنار دارند و باقی، همگی، بی‌نشانند و تنها از طریق شباهتها و نزدیکی سبکهاست که می‌توان به شناسایی آنها نایل شد.

در میان شعبه‌های مختلف خطاطی، خط بنایی شعبه‌ای است که خط بنایی معقلی نیز نامیده می‌شود و الهامی است از خط کوفی که در زاویه قرار می‌گیرد و عاری از تزئین است.

خط بنایی، به‌طور کلی، در زمینه‌های شطرنجی (مربع، مربع قناس) شکل می‌گیرد و حرکات حروف در امتداد مربع یا مربع قناسها پشت سر هم ادامه می‌یابند و کلماتی را تشکیل می‌دهند که می‌توان نمونه‌های آن را در شکل‌های ۱ و ۲ مشاهده کرد. ناگفته نماند که این کلمات معمولاً بدون نقطه نوشته می‌شوند.

به دنبال انشعابات که در خطاطی رخ داد، خط بنایی هم به رشته‌های مختلفی از جمله خط بنایی متن، خط بنایی ساقه‌گنبدی و خط بنایی معقلی منشعب شد که نمونه‌های آن را در شکل‌های ۳، ۴ و ۵ می‌بینیم.

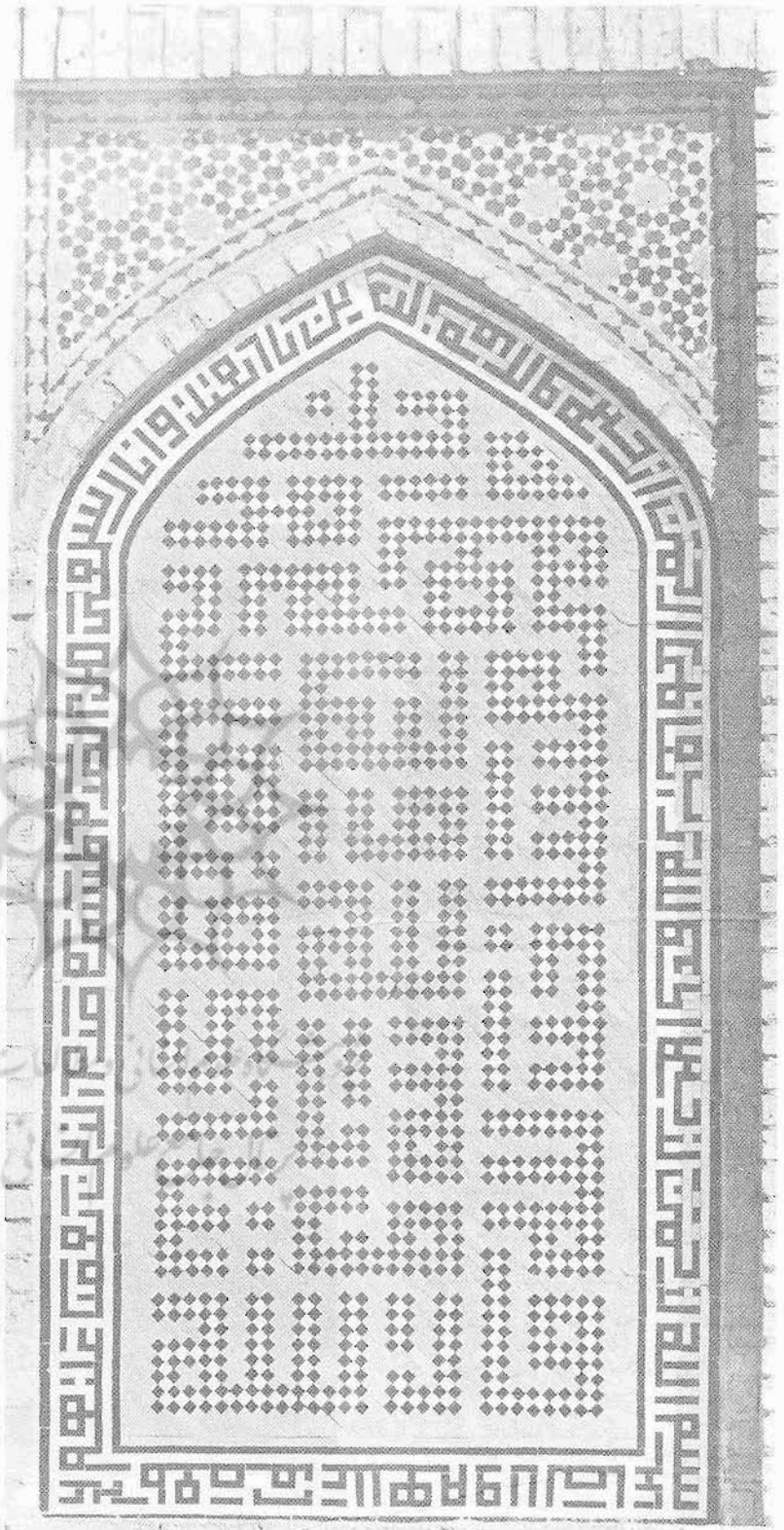
نقش خط بنایی از آمیختن خط و گل و بته که با ظرافت تمام صورت گرفته سخن می‌گوید. با گذشت زمان، در خط

بنایی، کاشیهایی با رنگهای متفاوت به کار رفت و استفاده از آجر که رنگی یکتواخت داشت مطرود شد. از این پس، نوشته‌هایی رنگارنگ در اطراف محرابها و سردر مساجد، با حروفی ساده و مشکل و بازوویه قائمه، شکل گرفت و گسترش یافت. در دوره‌های بعد نیز این خطوط به‌طور پیچیده در هم آمیخت و با رنگهای متنوع، زینت‌بخش بیکر بناهای متعدد شد.

آغاز استفاده از خط بنایی به زمان تیموریان بر می‌گردد. این خط در تزئین مساجد و بناهای آن دوران مورد استفاده قرار می‌گرفت و نمونه‌های آن در مسجد زوزن، مقبره محمد ایوب‌بکر در تایباد، مقبره شیخ جام در تربت‌جام، و امامزاده بسطام در بسطام و محلهای دیگری مشاهده می‌شود. در دوره صفویان بود که خط بنایی، در اصفهان که پایتخت بود و «نصف جهان» خوانده می‌شد، به کمال رسید. در این دوره که کاشیکاری به مرحله‌ای ارزشمند رسیده بود، خط بنایی، همگام با کاشیکاری، مراحل تکامل را پیمود و به مرتبه‌ای رسید که خطاطان از آن در تزئین اماکن مبرک، مساجد، امامزاده‌ها و مدرسه‌های علوم دینی استفاده کردند و به ایجاد خطوطی در هم و پیچیده و زیبا پرداختند. بیشتر این آثار هنوز هم باقی مانده‌اند و جلوه اولیه خود را دارند.

کلمات خط بنایی، معمولاً از احادیث، قرآن مجید، رباعیات و سخنان بزرگان انتخاب شده و بر پیکر ستاره‌ها و بناها جای گرفته است.

امروزه هم خطاطان انگشت‌شماری هستند که در گوشه و کنار به این هنر عشق می‌ورزند و حتی عده‌ای به روش کپی‌برداری، خطی را از محلی به محل دیگر انتقال می‌دهند، بی‌آنکه از متن نوشته



اطلاعی داشته باشند. نوشته‌های شبستان جنوب شرقی مسجد سید اصفهان نمونه‌ای از این کپی برداریهاست که از مدرسه چهارباغ اصفهان کپی برداری شده و در همین دهه اخیر اجرا شده است.

در ادامه خط بنایی معقلی، به سه نمونه دیگر یعنی خطوط ساده، «یک رگی»، و «سه رگی» بر می‌خوریم که نمونه‌های «یک رگی» و «سه رگی»، در تصاویر ۶، ۷ و ۸ مشاهده می‌شوند.

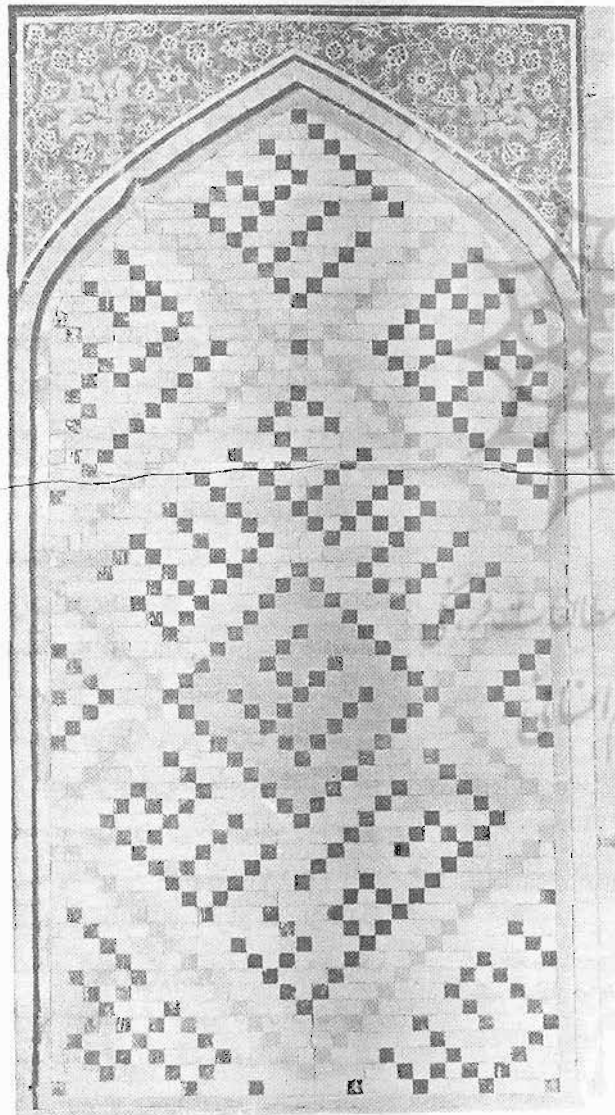
گسترش خط بنایی، به ایران و پایتخت آن اصفهان محدود نماند بلکه در تمام نقاط تحت نفوذ اسلام پیش رفت و در هر گوشه‌ای، بنا به ذوق هنرمندان آن خطه، در تزیین بناها مورد استفاده قرار گرفت.

نخست خط بنایی در اشکال چند ضلعی، به طور محدود، شروع شد و کلماتی مانند الله، محمد و علی، به فراخور سلیقه، در چند ضلعیهای معقلی جا گرفتند که نمونه آن در مسجد جامع بندرآباد، در استان یزد، مشاهده می‌شود. این مسجد در حدود قرن هفتم هجری قمری ساخته شد و روی دو اسیر طرفین ورودی شبستان زیر گنبد نفوس معقلی (شمسه و سلی) و کلمات الله،

محمد و علی جاسازی شدند که متنوع بودن حرکات حروف مورد توجه است. حرکت کلمات در خط بنایی ثابت نماند و پس از چندی با تکرار شدن در یک شکل هندسی توانست حالتی دورانی بگیرد؛ مثلاً اگر در یک ربع شمس کلمه علی یا محمد نوشته شده بود در چهار ربع شمس که یک شمس کامل را تشکیل می‌داد، حرکت کلمه به دور یک مرکز، حرکتی دورانی به شکل می‌داد.

البته حدود مشخصه شمس عوض نشد ولی حرکت کلمات یا کلمه، به فراخور روحیه هنرمندان، تغییر کرد و بنا به سلیقه آنان شکلی دورانی گرفت.

۶- خط بنایی ساده، مسجد حکیم اصفهان (الله، محمد، علی)

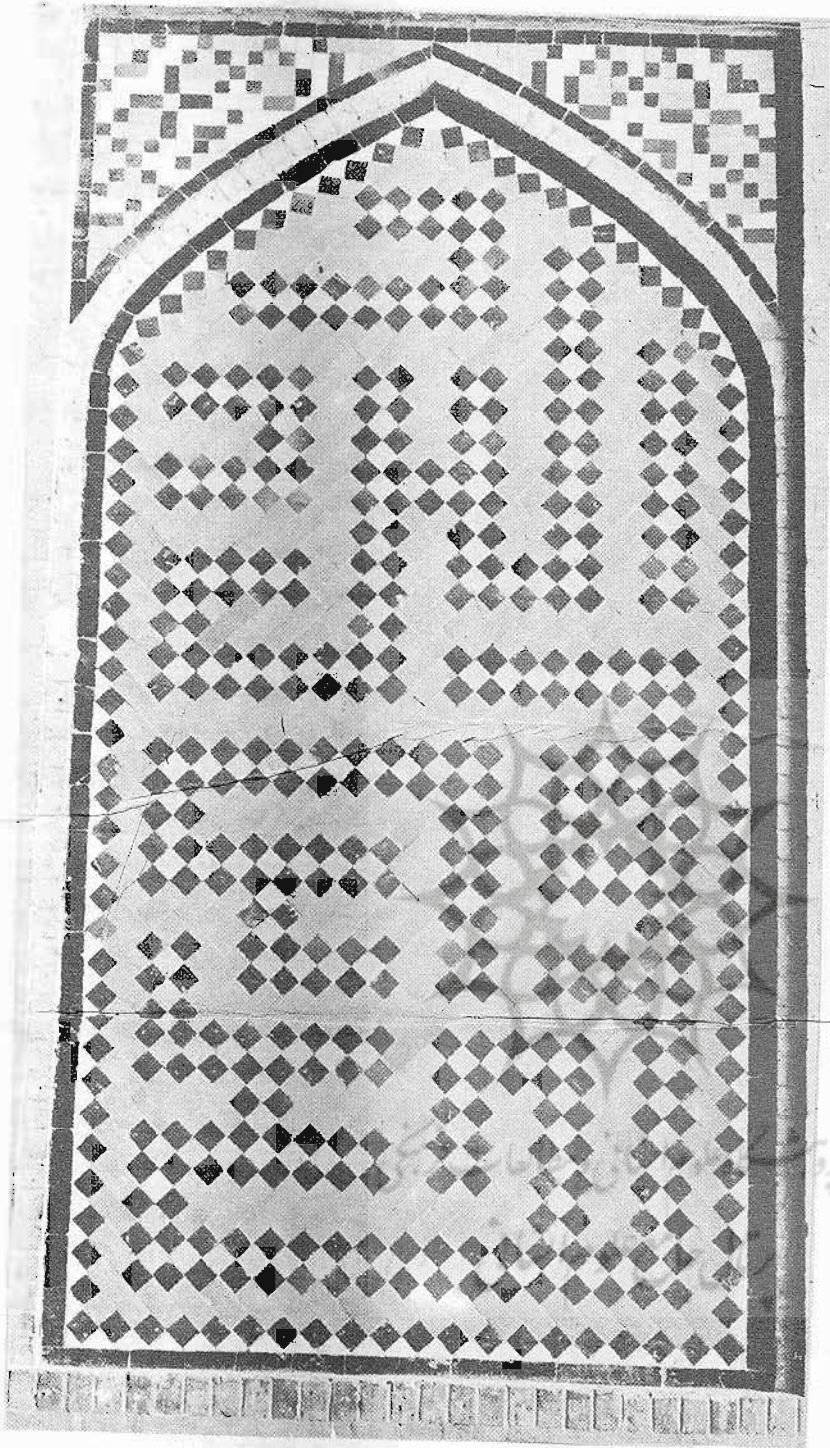


۷- خط بنایی معقلی یک رگی، مسجد حکیم اصفهان (الله، الملک الله علی محمد سبحان الله احد صد)

همچنین در دوران صفویه، خطاطان، بی آنکه محدوده شمس را تغییر دهند، شمس را به شبکه‌های ریزتری تقسیم کردند و جمله یا آیه‌ای را در آن نوشتند. این نوشته‌ها کم‌کم توانستند به محدوده درونی تمام شکل‌های هندسی مانند شمس، ربع شمس، نیم شمس، سه ربع شمس، مربع، مربع مستطیل، لوزی، پنج‌پسری و اشکالی مانند شمس کشیده و غیره راه یابند که نمونه‌های آنها در ابنیه تاریخی مشاهده می‌شوند و نشان دادن همه آنها در این مقوله نمی‌گنجد.

هنرمندان، در ادامه کوششهای خود، توانستند خط متداخل را عرضه کنند، یعنی ضمن بازی با کلمات و شطرنجی کردن داخل هر کلمه، آیه یا سوره‌ای را درون آن جاسازی کنند و در واقع خطوطی متداخل به وجود آورند. نمونه این خطوط را می‌توان در مسجد جامع میرچخماق یزد و صحن عباسی حرم امام رضا (ع) دید که به کلمات الله، محمد و علی مزین شده و داخل هر یک، سوره‌ای از قرآن مجید به چشم می‌خورد.

هنرمندان همچنین موفق شدند در اشکال مختلف، با ساختن دو یا سه شبکه درهم، در یک شکل هندسی، از کلمات مختلف به طور دورانی نقش تهیه کنند و آن را به کار گیرند؛ مثلاً در مدرسه نیم‌آورد اصفهان در یک مربع عبارت الله اکبر به طور دورانی و در یک هشت ضلعی کلمه محمد به طور دورانی تکرار شده و در مرکز آن، با یک زمینه ساده، نقشی به وجود آمده است. در مدرسه کاسه‌گران حتی از صلیب استفاده شده است به این معنی که در یک هشت ضلعی که صلیبی در مرکز آن قرار دارد کلمه علی، به طور دورانی، حرکتی بسیار زیبا به وجود آورده است.



۸ - خط بنایی، معقلی سه رنگی، مسجد حکیم اصفهان (با دلیل المتحیرین)

در مسجد جامع اصفهان، روی دو اسپر طرفین ایوان غربی، با خط معقلی مایل و زیبایی خاصی، جمله «محمد رسول الله الصادق الامین» نوشته شده

است و در همین ایوان، در مربعی که تقسیماتی به شکل ترنج در آن انجام گرفته یک رباعی که هر یک از چهار نیم بیت آن در یک ترنج جاسازی شده، ترکیب تحسین انگیزی را ایجاد کرده است: «چون نامه جرم ما به هم بیچیدند بردند و به میزان عمل سنجیدند» «بیش از همه کس گناه من بود ولی ما را به محبت علی بخشیدند» باز، در مربع وسط این چهار ترنج، با خط بنایی، نام هنرمند آن را چنین نوشته‌اند: «عمل ابن محمد مومن

محمد امین». مجموع این نوشته که با گره تلفیق شده است نمونه گویایی از ظرافت و دقت را عرضه می‌کند. در گوشه‌هایی دیگر، هنرمندانی دیگر بر خط بنایی سه رگی فائق آمدند و این خط را با زیبایی خاصی عرضه کردند که نمونه آن را در شکل ۸ دیدید. خط معقلی که در یک زمینه مربع تناسب نوشته می‌شود اگر به طور ساده عرضه شود به نام خط بنایی یک رگی معقلی و اگر دو خط به موازات هم نوشته شوند به نام خط معقلی سه رگی در نزد استادان فن مشهور است.

خط بنایی با اینکه در کشورهای زیر نفوذ اسلام گسترش داشت ولی می‌توان مرکز آن را اصفهان دانست چرا که اوج شکوفایی خط بنایی در دوره صفویه و در اصفهان - پایتخت ایران - بود و در بیشتر ابنیه تاریخی این دوران خط بنایی به چشم می‌خورد. در دوره‌های بعد نیز کم و بیش خط بنایی ادامه یافت به طوری که در دوره قاجاریه، در مسجد سید اصفهان، خطهای بسیار زیبایی ساخته شدند که هنوز هم جزء آثار هنری چشمگیر اصفهان به شمار می‌آیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی